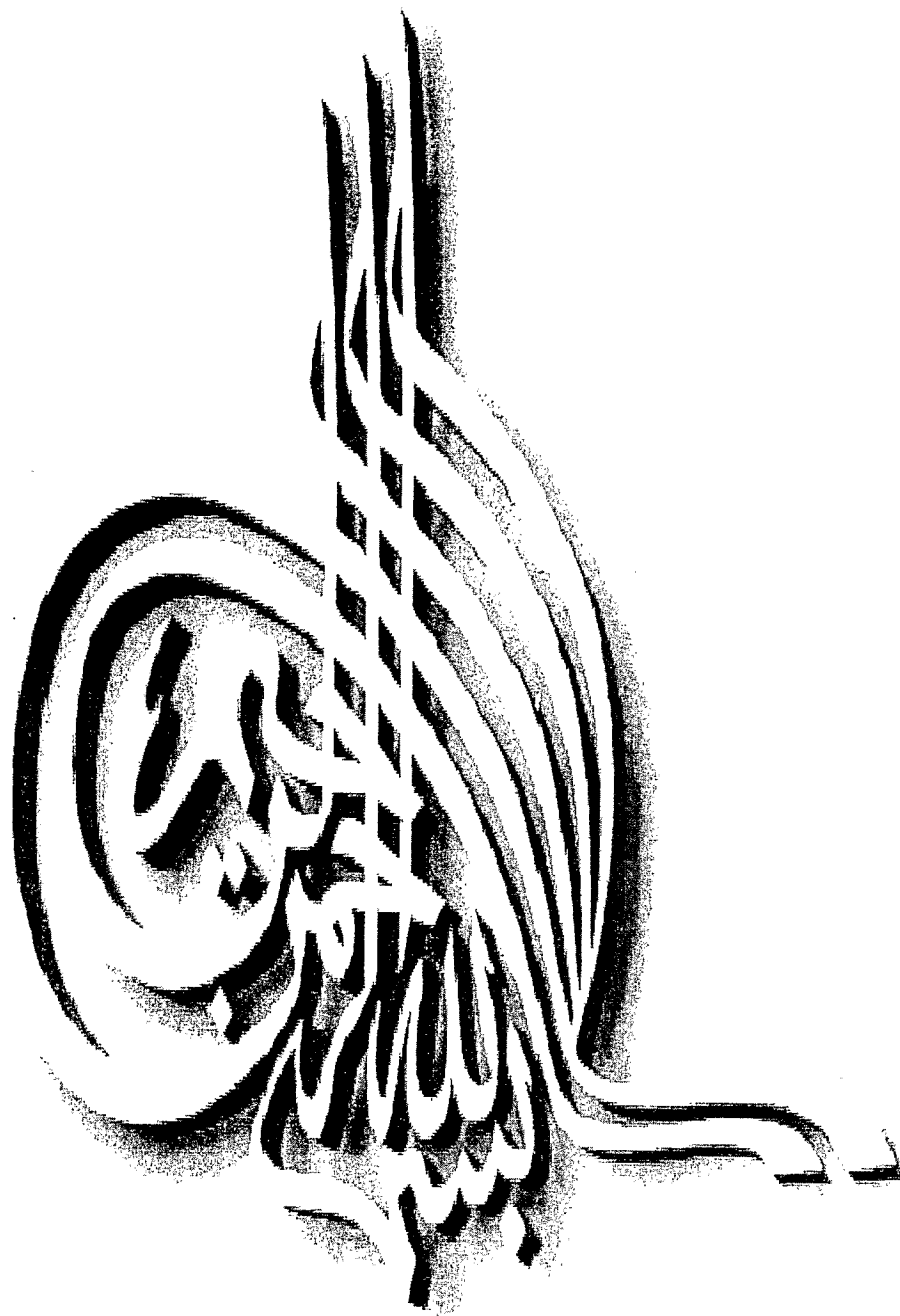


11/1/15-11/1/15
11/1/15



110019

۸۷/۱/۱۰۸۲۳
۸۸/۱/۲۶



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر

عنوان:

آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی زنان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رضا اسلامی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید محمد هاشمی

پژوهشگر:

افروز نادریان

سال تحصیلی ۱۳۸۷

۱۱۰۰۱۹

کتابخانه و اسناد مرکز پژوهش‌ها
دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۶

چکیده

موضوع رساله من «نقش آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی زنان» است. همانطور که از این عنوان برمی آید. موضوعی کاربردی است که جهت تفهیم و عملی کردن هرچه بیشتر اصول آموزش حقوق بشری تهیه شده است. مهمترین سؤال من در این رساله راجع به این است که آموزش حقوق بشر چگونه می تواند سبب توانمندسازی زنان شود و این دو مقوله چه ارتباطی باهم برقرار می کنند؟

آموزش حقوق بشر راه توانمند شدن را فراهم می کند و زنان با شناخت حقوق خودشان و با فاعلیت خودشان که در مفهوم خود - توانمند سازی "Self-empowerment" نتیجه بخش می شود، حقوق بشر خود را تحقق می بخشند و توانمندی را می سازند و متقابلاً هرچه آموزش های حقوق بشری بیشتر شود، زنان به قدرتهای بیشتری می رسند.

در فصل اول این رساله مبانی و ویژگیهایی برای شناخت هرچه بهتر دو مقوله آموزش حقوق بشر و توانمندسازی زنان ارائه شده است و در فصل دوم به آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی اجتماعی زنان در گروههای

اجتماعی و سیاسی حوزه عمومی توجه می‌شود. از طرف دیگر این مقوله بررسی می‌شود که زنان چگونه می‌توانند از طریق تشکیل دادن گروه‌های مختلف و حضور واقعی به توانمندسازی اجتماعی و جمعی برسند تا به طور واقعی در حوزه عمومی اجتماع پذیر شوند و از این تناقض خارج شوند که در حوزه خصوصی، اجتماع پذیر گردند.

در فصل سوم به آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی اقتصادی زنان توجه می‌شود و در این باب رایج‌ترین موضوعات بحث برای فرصت‌های اشتغال و مقوله خود - اشتغالی زنان است. آموزش حقوق بشر در این راستا می‌تواند با ارائه راهکارهای خود کار زنان را به سمت ارزش‌گذاری‌های عمومی هدایت و نهادینه کند.

در فصل چهارم آموزش حقوق بشر برای توانمند سازی فرهنگی زنان را مورد بررسی قرار می‌دهیم که از مهمترین مباحث آن حق بر آموزش برای زنان و تأثیر آموزش حقوق بشر برای توانمند ساختن زنان در نظام آموزش رسمی و غیررسمی از طریق سازمانهای غیردولتی NGOs و گروه‌های مختلف اجتماعی است.

فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
مقدمه	۱
فصل اول: مبانی و مفاهیم آموزش حقوق بشر و توانمندسازی زنان	۷
گفتار اول: تبیین مفهوم توانمندسازی زنان	۸
مبحث اول: تاریخچه توانمندسازی زنان	۱۰
مبحث دوم: ویژگیهای توانمندسازی زنان	۱۸
مبحث سوم: تعریف توانمندسازی زنان	۲۹
گفتار دوم: تبیین مفهوم آموزش حقوق بشر	۳۸
مبحث اول: تعریف آموزش حقوق بشر و ارکان آن	۴۰
مبحث دوم: آموزش حقوق بشر در اسناد و سازمانهای بین المللی	۴۹
مبحث سوم: ابزارهای اجرایی آموزش حقوق بشر	۵۲
فصل دوم: آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی اجتماعی زنان	۵۶
گفتار اول: شناسایی مصادیق و موانع توانمندسازی اجتماعی زنان	۵۸
الف) تعریف خشونت و اشکال مختلف آن علیه زنان	۵۹
مبحث اول: جایگاه زن در خانواده	۶۳
مبحث دوم: حق زنان بر بهداشت سلامت جسمی و روحی	۶۶
الف) حق زنان بر غذا	۶۷
ب) حق زنان بر سقط جنین بهداشتی و ایمنی	۷۳
ج) حق زنان در جهت مبارزه با HIV/AIDS	۷۸

- گفتار دوم: مشارکت و توانمندسازی زنان در اجتماع..... ۸۱
- مبحث اول: حق زنان برای حضور در حوزه عمومی..... ۸۴
- مبحث دوم: مشارکت در تشکیل گروههای زنان..... ۸۷
- فصل سوم: آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی اقتصادی زنان..... ۹۰
- گفتار اول: حق بر کار برای زنان..... ۹۵
- مبحث اول: برابری فرصتهای اشتغال..... ۹۸
- مبحث دوم: حق بر مزد برابر برای زنان..... ۱۰۲
- مبحث سوم: مرخصی زایمان با حقوق..... ۱۰۹
- گفتار دوم: شیوه هایی در چهار چوب آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی اقتصادی زنان..... ۱۱۲
- مبحث اول: زنان خویش فرما یا خودسرپرست..... ۱۱۳
- مبحث دوم: توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق اعتباردهی خرد..... ۱۱۶
- مبحث سوم: دستیابی به توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق اتحادیه ها..... ۱۲۰
- فصل چهارم: آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی فرهنگی زنان..... ۱۲۳
- گفتار اول: حق بر آموزش و تحصیل برای زنان..... ۱۲۵
- مبحث اول: شناسایی حق بر آموزش زنان..... ۱۲۶
- مبحث دوم: تأثیرات آموزش بر زندگی زنان از منظر آموزش حقوق بشر..... ۱۲۹
- گفتار دوم: آموزش حقوق بشر برای آموزش رسمی و غیررسمی زنان..... ۱۳۳
- مبحث اول: آموزش حقوق بشر برای نظام آموزشی رسمی..... ۱۳۴
- مبحث دوم: آموزش حقوق بشر برای آموزش غیررسمی..... ۱۳۸
- الف) توانمندسازی فرهنگی زنان از طریق تعلیم شغلی در محیط آموزش غیررسمی..... ۱۴۳

ب) توانمندسازی فرهنگی زنان از طریق فعالیتهای هنری.....۱۴۷

ج) توانمندسازی فرهنگی زنان از طریق ورزش.....۱۴۸

نتیجه گیری.....۱۵۲

منابع و مأخذ.....۱۵۷

ABSTRACT.....۱۷۰

مقدمه

حقوق بشر رشته ای نوین و آموزش حقوق بشر از شاخه های بسیار نوپای آن است. این شاخه نوپا قابلیتی عظیم و عمیق دارد که برای شناسایی و رسیدن به اهداف مختلف که از جمله مهمترین آنها توانمندسازی زنان است، مورد استفاده قرار می گیرد.

هر چند زنان و حقوق آنها دغدغه ای بسیار کهن است؛ اما آموزش حقوق بشر این قابلیت را دارد که در تعامل و تقابل با هر موضوعی، نگاه تازه ای برای رسیدن به اهداف حقوق بشری، داشته باشد.

من هم در پی اشتیاق برای اندیشیدن و تلاش در باب حقوق بشر زنان، در برخورد با راههای متفاوت با راهنمایی های استادم، این شیوه نوین و متکامل و منعطف را پیدا کردم تا با تلفیق این قابلیتها، هم به نتایج علمی و عملی مهمی در رابطه با زنان و توانمندسازی آنها برسم و هم با ویژگیها و توانمندی های خود آموزش حقوق بشر و نحوه برخورد منطقی آن با موضوعات و پوشش

دادن آنها در خود ، آشناتر گردم و بتوانم به پاسخی برای سؤالاتم دست یابم ،
چرا که آموزش حقوق بشر نه به نتیجه ، بلکه به روش و مسیر می اندیشد .

از جمله مهمترین سؤالات من در این رساله عبارتند از :

- مفهوم توانمندسازی زنان چیست ؟

- آموزش حقوق بشر به چه معناست و آیا قابلیت توانمندساختن زنان را

دارد؟

اینها از جمله مقدماتی هستند که برای رسیدن به سوال اصلی این پایان
نامه مبنی بر درک ارتباط آموزش حقوق بشر و توانمندسازی زنان بدان نیاز
داریم . در واقع باید گفت عمده ترین مسأله این رساله این است که : آموزش
حقوق بشر از چه طریقی و با چه ابزارهایی می تواند سبب توانمندسازی زنان
شود ؟ و ضرورت بررسی توانمندسازی زنان در آموزش حقوق بشر چیست ؟
از طرف دیگر باید گفت که آموزش حقوق بشر هم به عنوان شاخه ای پویا
در تقابل با توانمندسازی زنان ، به عنوان یک قابلیت درونی ، به غنی تر شدن
نیاز دارد .

قبل از ادامه بحث در باب تبیین مفهوم توانمندسازی زنان ، باید به این
مسأله پردازم که ضرورت بررسی توانمندسازی زنان در چهارچوب آموزش
حقوق بشر چیست ؟ اصولاً "حقوق بشر یک مفهوم میان رشته ای است ؛ یعنی
هم از حقوق^۱ مایه می گیرد و هم از فلسفه ، انسان شناسی ، جامعه شناسی و
حتی ادبیات . اما چرا حقوق بشر چنین مشخصه ای دارد ؟

در پاسخ شاید بتوان گفت دلیل ، این باشد که حقوق بشر شکل گیری و
تکامل خود را از موضوعاتش به دست می آورد . موضوع این علم به طور کلی
انسان است و به طور اختصاصی تر انسانی که زن است ، انسانی که کودک

¹ - Law

است ، انسانی که فارغ از جنسیتش تحت فشارهای گوناگون اجتماعی و سیاسی و تاریخی است . اینکه تمام اصول حقوق بشری و یا نسل های حقوق بشر به هم پیوسته اند و هم پوشانی دارند^۱ هم ، از همین موضوع سرچشمه می گیرد . چرا که حقوق بشر به دنبال موضوع اصلی خود یعنی انسان و با توجه به نیازهای او پیش می رود . زنان و توانمندسازی آنها هم از همین موضوعات مهمی است که حقوق بشر آن را در چهارچوب حمایتی خود می گیرد ، چرا که زنان ماداماً در طول تاریخ با تبعیضات و مشکلات و کمبودهای فراوانی روبه رو بوده اند ، که حقوق بشر بعد از شناسایی این تبعیضات ، و از طریق تهیه اصول و اعلامیه هایی سعی در رفع آنها و ارتقای کرامت و حیثیت ذاتی زنان داشته و در جدیدترین تلاشهای خود از یک ابزار آموزشی یعنی آموزش حقوق بشر برای رسیدن به توانمندسازی زنان استفاده می کند تا از این طریق ، خود زنان ، فاعل تکامل خود شوند . در نتیجه می توان گفت که حقوق بشر با موضوعات خود رابطه ای متقابل برقرار می کند و بعد از اینکه بر حسب نیاز ، زنان را به عنوان موضوع توجه خود جذب می کند ؛ از شرایط و ویژگیهای مخصوص به زنان استفاده می کند و اصول حقوق بشری را پرورش می دهد و این راهبرد و قابلیت ایجاد می شود که آموزش حقوق بشر وسیله ای باشد برای رسیدن به توانمندسازی .

از طرف دیگر بعد از شناخت بهتر مفهوم توانمندسازی و آموزش حقوق بشر می توان دریافت ؛ همانطور که توانمندسازی دغدغه پیشرفت زنان است ، یک مفهوم کلی هم هست که برای عملی شدن ، به ابزار جزئی نگری مثل آموزش حقوق بشر نیاز دارد . به علاوه اینکه جهت رسیدن به توانمندسازی ، زنان باید با موانعی روبه رو شوند که در تمامی جوامع تقریباً به یک شکل خود

¹ - Overlapped Rights

را نشان می دهند؛ مثل اعمال خشونت علیه آنها یا کمبود فرصتهای آموزشی و بنابراین به راهبرد بی طرف و عقل گرایانه ای چون آموزش حقوق بشر نیاز است تا بتوان بوسیله آن به هر گونه فرهنگ و مذهب و آداب و رسوم و جامعه ای نفوذ کرد و کوچکترین فرصتها را برای توانمندسازی زنان فراهم کرد و در عین تنوع و گوناگونی شرایط به نتایج توانمندسازانه ای رسید.^۱

بنابراین فرضیه های خود را بر این اساس می چینم:

با توجه به اینکه:

- توانمندسازی زنان یک مفهوم بیرونی است و مساوی است با خود - توانمندسازی؛ بدین معنا که فرد از درون شروع به توانمند شدن می کند؛ و
- آموزش حقوق بشر به صورت موردی و به هر موضوعی، جداگانه، توجه کرده و یک دستورالعمل کلی یا بیرونی نیست؛
- رابطه آموزش حقوق بشر با توانمندسازی زنان رابطه ای مستقیم و متقابل است؛ یعنی آموزش حقوق بشر راه توانمند شدن را فراهم می کند و زنان با شناخت حقوق خودشان و با فاعلیت خودشان، حقوق بشر خود را تحقق می بخشند و توانمندی را می سازند و متقابلاً هر چه آموزش های حقوق بشری بیشتر شود؛ زنان به قدرتهای بیشتری می رسند.

۱ - آموزش حقوق بشر در جهت بهبود وضعیت انسان با آموزش بین فرهنگی " Intercultural Education " سهمیم است؛ چرا که هر دوی این آموزشها برابری دستیابی برابر به فرایند آموزش بویژه برای اقلیتها و گروههای مختلف را فراهم می کنند. Tibbitts . Felisa , Transformative Learning and Human Rights Education : Taking a Closer Look , London , Routledge , The Journal of International Education , Published by International Association for Intercultural Education , 2005 , p. 2.

در ادامه لازم به ذکر است که من در فصل اول رساله خود سعی می کنم که در بحث مبانی بعد از بررسی تاریخی و ویژگیهای مفهوم توانمندسازی زنان تعریف یا تعاریفی دقیق از آن ارائه دهم و در قسمت بعدی مفهوم و معنای آموزش حقوق بشر، ارکان آن و جایگاه آن را در عرصه بین المللی توصیف کنم.

به دنبال تبیین مفاهیم و مبانی، در سه فصل بعدی بنا بر انتخاب موضوعات و ابعاد خاص به نقشی که آموزش حقوق بشر به طور مستقیم تر و دقیق تر می تواند در توانمندسازی زنان از جهات مختلف داشته باشد، توجه کرده ام.

بنابراین در فصل دوم به نقش آموزش حقوق بشر در توانمندسازی اجتماعی زنان پرداخته و توانمندسازی زن را در دو بعد فردی و اجتماعی در نظر می گیرم و از این لحاظ که زن به عنوان عاملی فردی چگونه در خانواده شناخته می شود و چه حقوقی و چه انتخابهایی در ازدواج یا طلاق یا تربیت فرزندان و کنترل تعداد آنها بتواند داشته باشد، جایگاه او را در خانواده توضیح می دهم. از آنجای که من به دنبال تفهیم و بررسی موارد جدیدتر مربوط به زنان بوده ام سعی کرده ام موضوعات ویژه ای در رابطه با بهداشت جسمی و روحی زنان هم از جمله حق آنان بر غذا یا سقط جنین و مبارزه با آیدز در تکمیل و تقویت این توانمندسازی فردی پردازم. در گفتار دوم هم به حضور زنان در حوزه عمومی که بیشترین زمینه ساز فعالیتهای سیاسی زنان از طریق تشکیل گروه و نهادینه شدن حضور آنها در جایگاه رسمی و عمومی است می پردازم.

در فصل سوم که مربوط به نقش آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی اقتصادی زنان است به شناسایی حق کار برای زنان و ایجاد فرصتهای کاری و

استخدامی برابر برای زنان و رسمی شدن ارزش کار زنان در سطح عمومی و توانمند شدن زنان در کار و تولید کار و درآمد در حوزه خویش-فرمایی، می پردازم.

و در فصل آخر که راجع به آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی فرهنگی زنان است بعد از شناسایی حق بر آموزش برای زنان، توانمندسازی فرهنگی زنان در دو حوزه آموزش رسمی و غیر-رسمی و تأثیرات گوناگون آموزش حقوق بشر بر آن را توضیح می دهم و از رسانه ها در کنار امور هنری و ورزش به عنوان ابزارها و شیوه های توانمندسازانه ای در چهارچوب آموزش حقوق بشر یاد می کنم.

نویا بودن بودن چنین موضوعی سبب شد که من بیشتر از منابعی استفاده کنم که ترجمه نشده اند و بنابراین علاوه بر توصیف و تحلیل به ترجمه دقیق و روانی هم نیاز داشتم.

متد و شیوه این تحقیق توصیفی و تحلیلی است و روش جمع آوری اطلاعات و منابع کتابخانه ای و از طریق اینترنت می باشد. که البته در قالب آموزش حقوق بشر که مقوله ای کاربردی و عملی است، لازم بود که با توجه به فعالیتهای کارگاهها و سازمانهای غیر دولتی و برنامه های آنها، راهکارهایی ارائه شود.

فصل اول: مبانی و مفاهیم آموزش حقوق بشر و توانمند

سازی زنان

قبل از هر چیز باید به این مقوله پردازم که آموزش حقوق بشر برای توانمندسازی زنان چه مفاهیم و مبانی را شامل می شود؟

اصولاً مبانی یک پدیده، ریشه های شکل گیری و در واقع مهمترین قسمت تشکیل دهنده آن را تحقق می بخشد. این ریشه ها به نوبه خود به علل شکل گیری و تاریخچه بوجود آمدن و پیدایش یک پدیده می پردازد و به سمت ویژگیها و خصایصی سیر می کند که این پدیده در طول زمان به خود می گیرد. بنابراین برای رسیدن به یک تعریف دقیق از موضوعات موردنظر و شناخت ارتباط بین آنها، به این مبانی در این فصل توجه می شود.

در گفتار اول به تبیین مفهوم توانمندسازی زنان در مقدمه گفتار و بررسی تاریخچه این پدیده در مبحث اول تمرکز می کنم و در تاریخچه علاوه بر اسناد از مهمترین ریشه های شکل دهنده و متکامل کننده توانمندسازی زنان یعنی کنوانسیونهای مربوط به زنان که مرحله ای عملی تر و کاربردی تر در تاریخ این توانمندی است، استفاده می کنم.

در مبحث دوم به ویژگیها و مشخصه های اصلی و عمده توانمندسازی زنان و در نهایت در مبحث سوم به تعریف این مفهوم می پردازم.

در گفتار دوم به آموزش حقوق بشر، تعریف و ارکان آن در مبحث اول و جایگاه آن در اسناد و سازمانهای بین المللی در مبحث دوم و ابزارهای اجرایی آموزش حقوق بشر در مبحث آخر توجه می کنم.

گفتار اول: تبیین مفهوم توانمندسازی زنان

در تبیین و شناخت یک مفهوم باید به تعریف آن پرداخت. اما تعریف، نهایی ترین و موجزترین قسمت شناخت یک پدیده هم هست که از مقدماتی به دست می آید؛ این مقدمات شامل چرایی و ضرورت شکل گیری یک پدیده، تاریخچه و بررسی ویژگیها و مشخصه های آن می شود که در نهایت و در یک جمع بندی می تواند تعریف دقیقی را نتیجه دهد.

در تبیین مفهوم توانمندسازی زنان هم باید گفت که؛ دیدگاههای مختلفی راجع به مفهوم توانمندسازی زنان وجود دارد و اصطلاح توانمندسازی دارای تعریف و کاربردی وسیع و متنوع است؛ چه در بسترهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی به طور عام و چه در زمینه های گوناگون چون جامعه شناسی، روان شناسی، علم سیاست، آموزش، فعالیتهای فمینیستی یا مفاهیم توسعه به طور خاص. بنابراین شناخت هرچه دقیق تر این مفهوم باید مبتنی بر درک شرایط و عناصر و ادبیات متناسب با موضوع موردنظر باشد؛ چرا که توانمندسازی از جمله مفاهیم علوم انسانی است که از کاربرد آن، معنا و تعریف دقیقش و بالعکس، یعنی با تعریفش، مرزهای کاربردی آن به صورت عمیق تر و واضح تر مشخص می شود.

باید گفت که بندرت در زمینه ها و عرصه های گوناگون تعریف کاملی از این مفهوم به چشم می خورد و چه بسا که از عبارات و اصطلاحات متفاوتی برای رساندن و شرح معنای آن استفاده می شود به مانند: شهروندی^۱، استحقاق و شایستگی^۲، قدرت تصمیم گیری^۳، آزادسازی مردم^۴، کنترل و

¹ - Citizenship

² - Entitlement

³ - Decision Making Power

⁴ - People's Liberating

استقلال^۱ ... مثلاً فمینیستها و جامعه شناسان توانمندسازی زنان را به صورت یک مقوله مربوط به بستر " نقد اجتماعی " در نظر می گیرند و یا برنامه های توسعه در دهه های ۸۰ و ۹۰ به مقوله توانمندسازی زنان بیشتر به عنوان یک مفهوم اقتصادی آنهم در بخش غیر دولتی توجه می کند؛^۲ بنابراین لازم است که به مقوله توانمندسازی زنان در این رساله دقیقاً در چهارچوب آموزش حقوق بشری توجه شود .

در هر حال با بدست آوردن شناخت بیشتر نسبت به مقوله توانمندسازی روشن می شود که این عبارات و نگرشهای خاص چنان که باید و شاید جوابگوی معنا و گستره توانمندسازی نیستند و تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نمی دهند؛ چرا که اصطلاح توانمندسازی هم می تواند به نحو متکامل و متحولی این مفاهیم را بصورت زیر مجموعه خود داشته باشد و هم اینکه دامنه وسیعی از موضوعات و افراد را شامل شود و در نتیجه تعریف آن هم مشکل تر خواهد شد.^۳

بنابراین برای دست یافتن به تعریف دقیقی از این مفهوم غنی، نیاز به مقدمات دیگری داریم؛ و به همین دلیل در مبحث اول به تاریخچه توانمندسازی زنان و در مبحث دوم به بررسی ویژگیها و مشخصه های آن می پردازم و در نهایت سعی خواهم کرد که تعریف دقیقی از آن ارائه دهم .

^۱ - Control and Independence

^۲ - Czuba . Cheryl . E. , Empowerment : What Is It ? , Journal of Extension , October , 1999 , Volume 37 , pp. 4-7 .

^۳ - Rappaport ایراد کرده است که : تعریف توانمندسازی بواسطه نبودن و وجود نداشتن آن آسان است و در عمل افراد بسیار مشکل تر؛ چرا که این تعریف بر اشکال مختلف و در زمینه ها و افراد متنوع ، دشوار است . (چرا که تشخیص زمان توانمندشدن در افراد بسیار مشکل است و در هر فرد به نحوی متفاوت از دیگران تحقق می پذیرد و درونی می شود . لذا در شناسایی و شناخت آن مشاهده گر و اندیشمند به عنوان یک خارجی محسوب می گردد و ارزیابی نتایج آن از بیرون کار ساده ای نیست .)

Ibid. p. 2.

مبحث اول : تاریخچه توانمندسازی زنان

اولین ارائه و موجودیت بخشی رسمی و در واقع تاریخچه توانمندسازی زنان از طریق اسناد بین المللی و برنامه های کاری آنها صورت گرفته و مطابق با این اسناد و اعلامیه ها صحنه ای مداماً رو به تکامل و پرورش با فراهم آوردن کنفرانس ها ، سمینارها ، تشکیل NGOs و کارگاههای آموزشی ... در سراسر جهان بوجود آمده تا به نحوی ؛ هم این اصول در سطوح مختلف ملی ، منطقه ای و محلی پیاده شود و هم از حالت انتزاعی و بینشی خارج شده و به میدان عمل و کاربرد یعنی برخورد با واقعیت زندگی زنان در فرهنگهای متفاوت نزدیکتر گردد.

در هر کدام از این اسناد بین المللی و کنوانسیون ها به موضوعات مختلفی راجع به زنان اشاره شده؛ از جمله : " ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸^۱ ، " کنوانسیون سازمان بین المللی کار راجع به کار شبانه زنان مصوب ۱۹۴۸^۲ ، " کنوانسیون حقوق سیاسی زنان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۵۲^۳ ، " کنوانسیون لغو همه اشکال تبعیض بر علیه زنان " مصوب ۱۹۷۹^۴ ، " اعلامیه اروپایی برابری زن و مرد " مصوب ۱۹۸۸ که سندی منطقه ای است^۵ و " اعلامیه منع خشونت بر علیه زنان " مصوب ۱۹۹۳^۶ که از جمله اسناد

^۱ - ماده ی ۱۶ بند ۱ : هر مرد و زن بالغی حق دارد بدون هیچ محدودیتی از حیث نژاد ، ملیت یا دین ، ازدواج کند و تشکیل خانواده دهد . مرد و زن در ازدواج ، در مدت زناشویی و در فسخ آن از حقوق مساوی برخوردارند .

بند ۲ : ازدواج باید صرفاً با توافق آزادانه و کامل زن و مرد انجام شود .

^۲ - ILO Night Work (Women) Convention , 1948 .

^۳ - Convention On the Political Rights of Women , United Nation , 1952 .

^۴ - Convention On the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women , United Nation , 1979 .

^۵ - Declaration On Equality of Women and Men , Committee of Ministers , EC , 1988 .

^۶ - Declaration On Elimination of Violence Against Women , United nation , 1993 .

حمایتی است که توسط سازمان بین المللی کار تهیه شده و بسیاری اسناد و کنوانسیون های دیگر^۱ که همگی در دسترس می باشند .^۲

کنفرانس های بین المللی در حمایت از توانمندسازی زنان : به جز اسناد ، از مهمترین توجهات بین المللی به حقوق زنان و بویژه مسأله توانمندسازی زنان کنفرانس های جهانی می باشد که بطور پیوسته یک فرایند دائمی و رو به پیشرفتی را بوجود آورده اند . در این راستا سازمان ملل چند کنفرانس را بطور پیاپی برگزار کرد که به اهمیت مسأله توانمندسازی زنان برای خود زنان و برای توسعه در دیگر مسائل اجتماعی و جهانی پرداخت .

اولین کنفرانس در مکزیکو سیتی در سال ۱۹۷۵ رخ داد و در نتیجه این کنفرانس مجمع عمومی سازمان ملل سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ را دهه زنان^۳ معرفی کرد .

دومین کنفرانس جهانی راجع به زنان در ۱۹۸۰ در " کپنهاگ " اتفاق افتاد که در آن تصمیم گرفته شد بر آموزش زنان و مشارکتشان در نیروی کار و بهداشت آنها در طی نیمه بعدی دهه تأکید شود .

سومین کنفرانس در " نایروبی " در ۱۹۸۵ رخ داد و در آنجا دهه زنان مورد ارزیابی قرار گرفت و استراتژی ها و برنامه هایی را برای پیشرفت آینده زنان تا سال ۲۰۰۰ طرح کرد که به اتفاق آراء مورد موافقت قرار گرفت و به این صورت یک قالب کاری ملی ، منطقه ای و بین المللی بوجود آمد تا اطمینان حاصل کند که زنان با توانمندسازی می توانند از حقوق بشر خودشان بهره مند شوند .

^۱ - Human Rights of Women , A Collection of International and Regional Normative Instruments , Prepared by Symonides . Janusz and Volodin . Vladimir , Published by UNESCO , 1999 .

^۲ - A Thematic Guide to Document on the Human Rights of Women , Edited by Alfredsson . Gudmudur and Tomasevski . Katrina , The Netherlands , 1995 , Martinus Nijhoff Publishers .

^۳ - Decade for Women

در آغاز دهه نود هیچ کنفرانسی برگزار نشد در حالی که حساسیت بیشتری نسبت به مسائل زنان بعد از کنفرانس " نایروبی " بوجود آمده بود و برنامه های انجام شده تا این زمان به ارزیابی نیاز داشت ؛ بنابراین " چهارمین کنفرانس جهانی " راجع به زنان با " هدف احیای دوباره منافع مربوط به زنان " ^۱ و بررسی مسائلی که در برنامه ها اهمیت بین المللی یافته بودند مثل " خشونت بر علیه زنان " ^۲ و " سوء- استفاده جنسی " ^۳ تشکیل شد . هزاران نماینده سازمانهای غیر دولتی و دولتها در طی ۱۵- ۴ سپتامبر ۱۹۹۵ در شهر " بیجینگ " چین گرد آمدند و امکان تبادل نظر و بهره مندی از ره آوردهای یکدیگر را پیدا کردند . به علاوه اینکه اعلامیه و برنامه کاری مهمی ^۴ در انتهای کنفرانس به امضای کشورهای رسیده که این برنامه گسترده ترین سندی است که راجع به حقوق بشر زنان مورد تصویب و تأیید اجتماع بین المللی و سازمان ملل واقع شده است چرا که بیش از ۹۰ کشور خود را متعهد به برآوردن اصول و راه کارهای موجود در این برنامه کرده اند . ^۵

^۱ - Revitalizing the Interests Toward Women's Issues

^۲ - Violence Against Women

^۳ - Sexual Abuse

^۴ - The Beijing Declaration and Platform for Action , Fourth World Conference on Women , 1995 .

^۵ - نا گفته نماند که در این بیانیه به اصول و مسائل بسیار مفیدی در رابطه با زنان اشاره شده که برخی از آنها عبارتند از :

- اطمینان از اجرا و ایفای کامل حقوق بشر زنان و دختران به عنوان یک بخش غیر قابل انتقال (Inalienable) ، مکمل (Integral) و جدایی ناپذیر (Indivisible) از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین .

- فراهم کردن ایفای کامل و مؤثر استراتژیها و راهبردهای رو به پیشرفت (Forward Looking Strategies) کنفرانس " نایروبی " برای پیشرفت زنان .

- توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنها بر مبنای برابری در همه حوزه های اجتماعی ؛ یعنی مشارکت در فرایند تصمیم گیری و رسیدن به قدرت ، از ارکان بنیادین برای رسیدن به برابری ، توسعه و صلح است .

قدم بعدی در این مسیر تشکیل جلسه " بیجینگ + ۵ " ^۱ در ژوئن ۲۰۰۰ بود که با هدف " برابری جنسی، توسعه و صلح در قرن بیست و یکم " ^۲ و برای ارزیابی و بررسی تعهدات دول در راستای " چهارمین کنفرانس جهانی در مورد حقوق زنان "، تشکیل شد. ^۳

همانطور که قبلاً هم اشاره شد مشخصه برنامه ها و بویژه کنفرانس های جهانی؛ پیوستگی، تداوم و رو به آینده ^۴ بودن آنهاست که سبب شده ماهیت آنها بصورت " پیوستاری " ^۵ متکامل و پایان ناپذیر بر افکار جهانی غلبه یافته و سرمشق بسیاری از تلاشهای دیگر شود. تحت تأثیر همین جریان در کشورهای مختلف برنامه هایی با الهام از کنفرانس های جهانی برای پیاده کردن و عملی کردن اصول حقوق بشری در سطح ملی و منطقه ای صورت گرفته است؛ مثل: " هفتمین کنفرانس منطقه ای برای زنان در آفریقا با عنوان " بیجینگ + ۱۰ " در سال ۲۰۰۴ " که در واقع در ادامه " کنفرانس بیجینگ " و بعد از آن برای ارزیابی اجرای برنامه ۱۰ ساله آن از ۱۹۹۵ تشکیل شد. ^۶

- حقوق زنان حقوق بشر است. (Women Rights are Human Rights) صلح در سطح محلی، ملی، منطقه ای و جهانی بلاواسطه و ضرورتاً به پیشرفت زنان وابسته است، چون زنان نیرویی اساسی برای رهبری، حل نزاع و ارتقای صلح در همه سطوح هستند.

- مشارکت در همه قسمتهای جامعه مدنی بویژه تشکیل گروهها و شبکه های زنان.

^۱ - Beijing + 5

^۲ - Gender Equality, Development and Peace for the Twenty First century Women For " بیجینگ + ۵ " تشکیل برنامه و سازمان غیر دولتی " Women's Human Right " یعنی حضور " زنان برای حقوق بشر زنان " در سال ۲۰۰۰ بود؛ که در راستای برنامه برابری " Equality Watch Platform " تشکیل شده و مهمترین ویژگی آن؛ حضور فعالانه و قاطع زنان برای ساخت و جهت دهی به برنامه های خودشان از طریق NGOs بود، چون در این برنامه بحث تعاون و همکاری بین زنان و مشارکت آنها به عنوان مهمترین زمینه برای توانمندسازی و رسیدن به تحقق حقوق بشر آنها معرفی شد و NGOs هم بهترین ابزار شناسایی شدند.

^۴ - Forward Looking

^۵ - Continuum

^۶ - Seventh African Regional Conference on Women, (Beijing + 10) 6 - 14 October 2004, Addis Ababa, Ethiopia.